

متن پرسش

سلام و عرض ادب و احترام جناب استاد: بنده در زمان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه دچار حالتی شدم که تمام معماهای جنگ غزه و لبنان برایم قابل درک شد. اینکه چگونه غزه در برابر این همه حمله جنگ افزارها و تکنولوژی شیطانی غرب هنوز سربلند و زنده تر از قبل است و شجاعتی وصف ناپذیر در آنها موج می‌زند و همچنین در حزب‌الله لبنان. به یاد کلام مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام که فرمودند: وارد ترسها شوید که خیر در آن است. متوجه حرف نیچه شدم که گفته بود آنانکه به دنبال حقیقتند باید خانه خود را بر دهانه آتشفشان بنا کنند. بنده در این مدت جنگ ۱۲ روزه متوجه شدم نه تنها ترس از وجودم رفته بلکه خیلی شوق این را داشتم که من هم یک جوری باید دفاعی از وطنم کنم یا کاری انجام بدم. متوجه شدم اصلا این پدیده بطور خودبخود آمده و انگار خبری از اون شخصیت قبلی و ترسو نیست و منیت محو شده و پرده کنار رفته. و الان راز اتحاد و همدلی و تغییر احوالات مردم را خوب درک می‌کنم که این هم جای بسی شکر دارد. بله واقعیت این است که انسان در فضایی بدون سختی و تهدید از طرف دشمن آهسته آهسته رو به کرختی و غفلت می‌رود. ولی انگار برای رشد و بیداری و روشنائی و صعود حتما لازم است که در کنار و مرز انسان تهدید وجود داشته باشد و این یک تلنگر همیشگی است. وجود شیطان و تاریکی‌ها و تهدیداتشان در این دنیا، فرصت‌های بی نظیری هستند برای انسان‌هایی که دنبال حقیقتند. پس هم مرز بودن حزب‌الله لبنان و فلسطینیان با این رژیم شیطانی و تاریک باعث شده تا این انسانها دائما مراقب خود و عدم غفلت شوند و این تهدید برایشان تبدیل به فرصت رشد شده و منیت در این نوع انسانها مجال خودنمایی نمی‌دهد و ایمان وصف ناپذیری دارند. آیا این طور نیست؟ بنده بر این باورم که خداوند متعال با این جنگ ۱۲ روزه که با حماقت دشمن رقم خورد، بار گناه مردم ایران را که همان منیت و کدورت‌ها و غفلت‌ها بود را پاک کرد و همه دلها رو به هم رساند و وحدت ایجاد کرد و ما باید با این نگرش قدردان و سپاسگذار خداوند باشیم. و شاید دلها رو آماده کرد برای روزها و اتفاقات پیش رو و مسیری که به ظهور و تجلی انسانیت منتهی می‌شود. آیا همینطور است؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نگاه ارزشمندی را نسبت به جایگاه تاریخی دفاع مقدس مطرح فرموده‌اید. حال مائیم و با حضور در فرهنگ کربلایی خود و رویارویی با دو رویکرد، رویکردی که عده‌ای بنا دارند از طریق رسانه‌ها در فرهنگ مدرن، افکار عمومی را به نفع خود مدیریت نمایند و انسان را در معنایی که

معنای خودبنیادی و خودخواهی و تکبر است؛ تعریف کنند، با تصور و گمانی که حق سیطره بر دیگر ملل را برای خود قائل‌اند و رویکرد دیگری که نظر به وجدان عمومی انسان‌ها دارد تا ابعاد روحانی و متعالی آنان را متذکر شود و به یگانگی انسان‌ها در هر کجا که باشند، نظر دارد، به همان معنای حضور افراد با ملیت‌های مختلف در رخداد تنفر از آمریکا و رژیم صهیونی در روزهایی که ما با آن روبه‌رو هستیم، تا معلوم شود انسان‌ها چه اندازه در معنای بودن تاریخی خود می‌توانند در کنار همدیگر مؤثر باشند، از آن جهت که متوجه ظلمات نظم موجود هستند، نظمی که در نهایت خودخواهی و خودبنیادی برای خود این حق را قائل است که اجازه ندهد کشوری مانند ایران صنعت هسته‌ای صلح‌آمیز داشته باشد و با نظر به کربلا به خوبی جایگاه جاهلیت دیروز و امروز روشن می‌شود تا انسان‌ها منور به بصیرت تاریخی باشند با نظر به سنت الهی که قرآن در وصف آن می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً» (فاطر/۱۰) و یا «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون/۸). آیا ما با حضور در چنین سنتی در آینده‌ای حاضر نیستیم که جایگاهی برای جهان استکباری در آن نیست و جهان استکبار از این جهت نگران است و سعی در عدم موفقیت ما دارد؟ موفقیتی که انسانیت انسان‌ها را مدّ نظر دارد. موفق باشید